



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال یازدهم / شماره چهل و یکم / بهار ۱۴۰۱

تحلیلی بر جرایم مالی در ایران با کاربرد مدل یابی معادلات ساختاری

علیرضا عامریان

دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
amerian_1358@yahoo.com

ابراهیم چیرانی

استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسئول)
chirani_iaurasht@yahoo.com

محمدحسن قلیزاده

دانشیار گروه مدیریت، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
gholizadeh@guilan.ac.ir

سید مظفر میربرگ کار

استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
mirbargkar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۵

چکیده

گسترش روزافزون جرایم مالی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی و حتی اجتماعی و فرهنگی که این جرایم به بار می‌آورند، به خوبی ضرورت پژوهش و تحلیل در این زمینه و واکاوی علل وقوع این گونه جرایم را روشن می‌کند. بنابراین مسأله اصلی در این پژوهش، گسترش جرایم مالی و نگرانی‌های حاصل از آن در جامعه ایران است. پژوهشگر در این پژوهش به دنبال آن است که جرایم مالی از نظر مالی و اقتصادی درک شود و نه از منظر جامعه‌شناسی یا جرم‌شناسی. بنابراین هدف پژوهش حاضر، طراحی و آزمون مدلی جهت تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی می‌باشد. در این راستا از رویکرد پژوهش ترکیبی استفاده شد که در مرحله کیفی از روش نظریه داده بنیاد یا گراند تئوری و در مرحله کمی از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شده است. یافته‌های کیفی به وسیله نرم افزار MAXQDA تحلیل شده و در پایان مرحله کیفی مدل مفهومی جرایم مالی استخراج گردید. در مرحله کمی برای اعتباریابی مدل از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی با نرم افزار PLS استفاده شد که ابتدا مدل از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی شد سپس مدل ساختاری از طریق برآورد مسیر بین متغیرها و شاخص‌های برازش مدل بررسی گردید. شاخص‌های برازندگی مدل حاکی از برازش مطلوب داده‌ها با مدل مفهومی می‌باشد و به عبارتی داده‌های کمی با مدل مفهومی پژوهش برازش مطلوبی داشته و مؤید داده‌های کیفی بوده است.

واژه‌های کلیدی: جرایم مالی، پژوهش ترکیبی، مدل‌یابی معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی.

۱- مقدمه

یکی از پیچیده‌ترین مسائل جوامع امروزی، وقوع جرم و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی است. بدون تردید، رابطه انسان با محیط پیرامون خود به وسیله مجموعه کنش‌های او نمود پیدا می‌کند. هر شخصی با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود به دخل و تصرف در محیط پرداخته و از طرفی این شرایط محیطی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتار وی را مشخص می‌نماید. بروز انواع جرم و ناهنجاری باعث ایجاد حس عدم وجود امنیت و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه می‌گردد. جرم یک پدیده چندوجهی است و همواره مورد توجه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، حقوق‌دانان و اقتصاددانان بوده است. هرچند قدمت نظریه‌های اقتصادی و حقوقی درباره جرم‌شناسی به اندازه نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیست، اما در حال حاضر به لحاظ اهمیت موضوع، ذهن این متخصصان را به یک اندازه مشغول نموده است (صمدی و آماره، ۱۳۸۹). از این رو، جرم به عنوان یک پدیده نامطلوب، علل اقتصادی، اجتماعی و عوامل متعدد دیگری داشته است که با توجه به اهمیت موضوع جرم، در سال‌های اخیر مطالعات زیادی برای شناسایی و تبیین علل وقوع آن انجام شده است.

گسترش روزافزون جرایم مالی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که این جرایم به بار می‌آورند، به خوبی ضرورت پژوهش و تحلیل در این زمینه و واکاوی علل وقوع این گونه جرایم را روشن می‌سازد. در این راستا، علاوه بر دیدگاه‌های نظری و رویکردهای تئوریک، مطالعات متعددی از لحاظ حقوقی و جرم‌شناسی انجام شده است. با این حال، هنوز هم به طور دقیق عوامل مؤثر بر وقوع جرایم مالی و میزان تأثیرگذاری آن عوامل شناسایی نشده است. بیشتر مطالعات انجام شده در این حوزه، حول محور عوامل کلان از قبیل عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بوده و ریشه‌یابی موضوع با رویکرد مالی و اقتصادی صورت نگرفته است و یا این رویکردها در حاشیه بوده‌اند. در نتیجه، خلاء پژوهش‌های مدیریتی در این زمینه با رویکرد عوامل مالی و اقتصادی کاملاً محسوس است. لذا با توجه به اینکه وقوع هر پدیده متأثر از عوامل مختلف می‌باشد وقوع جرایم مالی نیز به عنوان یک پدیده نامطلوب از این قاعده مستثنی نبوده و شناسایی این عوامل برای درک صحیح و سیاست‌گذاری مناسب در جهت کنترل و کاهش این گونه جرایم، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مسأله اصلی در این پژوهش، گسترش جرایم مالی و نگرانی‌های حاصل از آن در جامعه ایران است. تحقق اهداف مورد نظر مردم و حاکمیت در امر مبارزه با جرایم مالی نیازمند بررسی‌های علمی در جهت رفع موانع و چالش‌های پیش رو است. ذکر این نکته حائز اهمیت است که در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال آن است که جرایم مالی از نظر مالی و اقتصادی درک شود و نه از منظر جامعه‌شناسی یا جرم‌شناسی. هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی و آزمون مدلی جهت تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی می‌باشد و جهت دستیابی به این هدف، در پی پاسخ به این سؤالات است که، الگوی مفهومی مناسب برای جرایم مالی در ایران چگونه است؟ الگوی طراحی شده بخش کیفی، تا چه میزان وضعیت جرایم مالی در ایران را تبیین می‌کند؟

ساختار این پژوهش بدین صورت است که در بخش اول و مقدمه به تشریح موضوع اصلی پژوهش پرداخته و در بخش دوم به بیان مبانی نظری مرتبط با موضوع می‌پردازیم. پس از مرور پیشینه پژوهش، روش انجام پژوهش

را بیان نموده و در نهایت، با بررسی و تفسیر یافته ها، به جمع بندی کلی در خصوص نتایج به دست آمده از این پژوهش و مقایسه آن با یافته های پژوهش های پیشین خواهیم پرداخت.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

جرم مالی مانند هر مفهوم یا پارادایم علمی دیگری پیچیده و قابل تغییر است و هیچ توافقی در مورد تعریف آن وجود ندارد، به طوری که اسناد بین المللی و قوانین داخلی نتوانسته اند تعریفی جامع از آن ارائه نمایند. از طرفی دیگر، شرایط خاص زمانی حاکم بر کشورها مانند بحران های مالی همچون تحریم می تواند بر سیاست کیفری تأثیر گذاشته و عملی که در شرایط عادی جرم تلقی نمی شود در این شرایط جرم مالی محسوب شود. بنابراین وجود تفاوت ها در شرایط و ساختارهای مختلف مالی، مانع اجماع در ارائه تعریف دقیق از جرم مالی می گردد. دلیل دشواری تعریف نیز همان طور که اشاره شد شمول این عنوان بر قلمروهای مختلف مانند حقوق کسب و کار، بازارهای مالی، مالیات، حمایت از مصرف کننده و مواردی از این قبیل می باشد. اما از لحاظ منطقی، برای حمایت از ارزش های مورد اشاره و نیز شناسایی و مبارزه مؤثر با این پدیده، ارائه یک تعریف ساده برای آن اجتناب ناپذیر است به گونه ای که همه ابعاد مربوط به جرم مالی را در بر گیرد؛ جرم مالی مقوله ای است کلی و شامل هر عامل یا پدیده ای است که روند عادی و قانونی مسیر معاملات را چه در کشور و چه در بیرون از آن نقض می کند (امانی و دوانی، ۱۳۸۹).

جرایم با ماهیت مالی و اقتصادی، یکی از چالش های جوامع امروزی به ویژه در کشورهای در حال توسعه می باشد که توسعه فناوری های نوین از قبیل فناوری اطلاعات، دامنه این جرایم را تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر قرار داده است. جرایم مالی^۱ با زنجیره ای از جرایم دیگر در ارتباط هستند؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، پولشویی، جعل اظهارنامه های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان یافته، ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه های اجتماعی دارند. پول های بادآورده، به هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و همچنین بر هم زدن برنامه های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت جامعه و مواردی دیگر از این قبیل، وجه مشترک همه جرایم مالی می باشد. بخشی از وقوع جرایم مالی در هر کشوری ناشی از بی ثباتی در وضعیت اقتصادی آن کشور است. بی ثباتی اقتصاد، پدیده ای نامطلوب بوده و وجود آن هزینه های اقتصادی و اجتماعی برای جامعه به همراه دارد. افزایش بی ثباتی اقتصاد، ساختار و امنیت اقتصادی کشور را مختل می کند و در نتیجه هزینه هایی که به زندگی اشخاص وارد می کند، به کاهش در رفاه خانوارها منجر می شود (خلیلی عراقی و رمضانپور، ۱۳۸۰). در سطح کلان نیز به طور کلی جرایم مالی و اقتصادی تأثیر منفی قابل توجهی بر ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور می گذارد و موجب افزایش هزینه های کسب و کار، جلوگیری از سرمایه گذاری خارجی و داخلی، کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت، افزایش فقر و بیکاری، تجمع قدرت مالی و اقتصادی در دست مجرمان و به دنبال آن، تضعیف اقتصاد ملی و سیستم های دموکراسی می شود (تئوفیلوس^۲، ۲۰۰۹). معمولاً زمانی که از جرم اقتصادی^۳ سخن گفته می شود بلافاصله نظرها به جرایم مالی و سازمان یافته معطوف می شود در حالی که همه جرایم مالی، جرم اقتصادی

نیستند، اگرچه در اکثر موارد نتایج و عواقب جرایم مالی و جرایم اقتصادی یکسان هستند. به علاوه، گاهی اوقات ممکن است یک عمل مجرمانه، هم جرم مالی باشد و هم جرم اقتصادی محسوب شود (تینکلو، ۲۰۰۶).

در زمینه جرایم مالی و اقتصادی دسته‌بندی به صورت مشخص وجود ندارد. اندیشمندان بر اساس ذهنیت‌ها و یافته‌های تجربی، دسته‌بندی‌های مختلفی را ارائه نموده‌اند که اغلب مورد اختلاف قرار می‌گیرد. در حال حاضر حدود دو هزار عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری وجود دارد که بسیاری از آن‌ها می‌توانند از مصادیق جرایم مالی و اقتصادی به شمار آیند، اما مهم‌ترین آنها عبارت است از قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، رباخواری، دریافت و پرداخت رشوه، اختلال در نظام پولی و یا ارزی کشور، اختلال در امر توزیع، اختلال در نظام تولیدی کشور، قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی، تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری، اختلال در نظام صادراتی کشور، تشکیل شرکت‌های هرمی، جرایم مالیاتی، جرایم مربوط به بورس اوراق بهادار (ساک، ۱۳۸۹).

هرچند تفاوت جرایم مالی با جرایم اقتصادی از شفافیت خاصی برخوردار نیست، ولی در تفاوت جرایم اقتصادی و جرایم مالی می‌توان گفت که در جرم‌شناسی جرایم مالی هدف حمایت کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است در حالی که هدف از جرم‌انگاری در قلمرو جرایم اقتصادی، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است که شامل حوزه‌های تولید، توزیع، پولی، ارزی، بانکی و گمرکی می‌باشد. چنانچه گستردگی جرایم مالی موجب اختلال در نظم اقتصادی کشور شود، می‌تواند عنوان جرم اقتصادی به خود بگیرد (نجفی‌ابرند آبادی، ۱۳۸۶). برخی، جرایم مالی را جزئی از جرایم اقتصادی می‌دانند و برخی دیگر جرایم اقتصادی را به عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده جرایم مالی مطرح می‌کنند. از آنجایی که در این پژوهش تلاش شده است با نگاه سیستمی و جامع، تمامی ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر جرایم مالی مطالعه شوند، پژوهشگر پس از مطالعه نظریه‌های مطرح شده در مباحث فوق به استخراج مؤلفه‌ها اقدام نموده است. لذا در پژوهش حاضر به جرایم مالی در ایران پرداخته شده است و سعی بر این بوده که زوایای پنهان و مغفول آن را آشکار کرده و نظم و چارچوب نوینی را در این حوزه یافته و سرانجام، مدخل قابل توجهی را در جهت بومی کردن و بکارگیری آن مطرح شود.

۲-۱- پیشینه پژوهش

فروید^۵ (۱۹۵۳) و رایزمن^۶ (۱۹۷۴) معتقدند که انسان‌ها دارای یک نوع سیستم کنترل درونی هستند که مانع انجام کارهای نامشروع می‌شوند. یکی از مهمترین این عوامل پایبندی مذهبی است که اگر در جامعه وجود داشته باشد، مانع انحرافات می‌شود. تأثیر این سیستم کنترل درونی قوی‌تر از هر سیستم کنترل دیگر است. مرتون^۷ (۱۹۶۸) نیز معتقد است که جامعه فرد را به کج رفتاری وادار می‌کند. به بیان وی کج رفتاری حاصل فشارهای ساختاری اجتماعی خاصی است که افراد را به کج رفتار شدن مجبور می‌کند. جانسون^۸ (۲۰۰۴) با استفاده از شاخص‌های سازمان شفافیت در تحلیل رگرسیون به این نتیجه رسید که هرچه میزان فساد در کشور میزان افزایش یابد میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی کاهش می‌یابد.

لهو^۹ و کبوی^{۱۰} (۲۰۰۵) به نقل از دفتر نخست وزیری کره جنوبی، علل شکل گیری فساد را در این کشور به سه گروه تقسیم کرده اند که عبارتند از؛ عوامل سازمانی و اداری (مقررات غیر ضروری، تعاریف و استانداردهای عملیاتی مبهم در قوانین و مقررات، رویه های اداری پیچیده، حقوق و دستمزد پایین کارکنان) عوامل فرهنگی و اجتماعی (زد و بندهای میان سیاست مداران و مقامات دولتی و تجار، ساختار اجتماعی در راستای حمایت از مقامات دولتی، محیط فرهنگی در راستای رفتارهای غیرمعمول و افراطی برای ترغیب هدیه دادن و تبریک و تسلیت) عوامل روانشناختی و گرایشی (سطح پایین اخلاقیات و درستی در ادارات دولتی، رواج خودگرایی، خویشاوندمداری، منطقه گرایی). عامل دیگری که نیومایر^{۱۱} (۲۰۰۵) به صورت یک فرضیه بسط داد، نابرابری درآمد است. جرایم مالی ممکن است تلاش افراد کم درآمد برای کاهش شکاف درآمدیشان با افراد پردرآمد مدنظر قرار گرفته شود. وی بیان می کند که نابرابری درآمدی با کاهش هزینه فرصت جرایم حداقل، برای افراد کم درآمد به افزایش جرم منجر می شود. نیومایر همچنین نتیجه گرفت فقر و محرومیت نسبی ناشی از نابرابری درآمدی، حس ناامیدی ایجاد کرده که در ارتکاب جرم مؤثر واقع شده است.

سلدادیو^{۱۲} و هان^{۱۳} (۲۰۰۶) به بررسی ۷۰ مورد از پژوهش های انجام شده در خصوص فساد پرداخته و برخی عوامل مدیریت و سازمانی از قبیل سطح دستمزدها، نابرابری درآمدها، اختلاف در قدرت، ساختار سازمانی، عوامل کنترلی و نظارتی، بروکراسی بیش از حد، مقررات پیچیده و زائد و میزان مسئولیت کارکنان را در بروز فساد موثر می دانند.

براش^{۱۴} (۲۰۰۷) در پژوهشی که انجام داد با ارائه و تخمین یک مدل اقتصاد سنجی برای داده های جرم در آمریکا در مقاطع زمانی ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نتیجه می گیرد که نرخ بیکاری با ضریب ۳۷/۲ درصد، اثرات مثبت و معنی داری بر افزایش نرخ جرم طی سال های مورد بررسی داشته است. بونانو^{۱۵} و لنیدا^{۱۶} (۲۰۰۹) در پژوهشی که به بررسی اثر ویژگی های شخصیتی بر وقوع جرم پرداختند، با در نظر گرفتن و تخمین سه مدل جرم اموال، جرم سرقت و کل جرم به روش GMM در بیست ناحیه ایتالیا طی سال های ۱۹۵۰ لغایت ۱۹۸۰ نتیجه گرفتند که درصد افراد دارای مدرک دیپلم، تعداد سال های تحصیل جمعیت و همچنین درصد ثبت نام کنندگان در مدارس به عنوان شاخص های معرف آموزش، در کنار متغیرهای تولید سرانه و سطح دستمزد، دارای اثرات معنی داری بر سه نوع جرم مورد مطالعه هستند به طوری که با افزایش سطح آموزش، نرخ جرم کاهش می یابد. هاتا^{۱۷} (۲۰۱۲) با بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و جرایم مالی (سرقت، اختلاس و کلاهبرداری) و جرایم خشونت آمیز نتیجه گرفت که نابرابری درآمد، همبستگی مثبتی با سرقت دارد. به نظر وی بین نابرابری درآمد با سایر جرایم مالی نیز ارتباطی مثبت وجود دارد که البته تا حدودی این رابطه ضعیف تر است. با وجود این، بین نابرابری درآمد و جرایم خشونت آمیز ارتباطی یافت نمی شود. وی استدلال می کند نابرابری، زمینه ای برای فرصت های جنایی است و البته در حالی که در همان موقعیت نیز برخی افراد با فعالیت های قانونی، فرصت تهی دستی را برای خود فراهم کنند. وی اظهار می دارد که بیشتر نظریه های جامعه شناختی مانند نظریه اقتصادی، رابطه مثبت بین نابرابری با جرم و جنایت مطرح کرده اند و تنش های اجتماعی و سرخوردگی ناشی از نابرابری را عامل انگیزش برای وقوع جرایم می دانند.

لوریدسن^{۱۸} و همکاران (۲۰۱۳) عوامل اثرگذار بر نرخ ارتکاب جرم را در حوزه پانزده کشور اتحادیه اروپا بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تورم، بیکاری و جمعیت شهری موجب افزایش نرخ ارتکاب جرم شده است و از طرف دیگر رشد اقتصادی و آموزش، موجب کاهش نرخ ارتکاب جرم شده است. نانلی^{۱۹} و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی شرایط اقتصادی بر روی جرایم با استناد به نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ رشد بازار سهام در طی سال‌های ۱۹۴۸ لغایت ۲۰۰۹ بر روی انواع سرقت پرداخته‌اند. نکته قابل توجه در این پژوهش آن است که اگرچه برای هر سه متغیر استفاده شده، ضرایب معنی‌دار یافت شده است، اما نرخ تورم علاوه بر دوره مورد مطالعه، در دوره‌های بعد نیز اثرات اجتماعی خواهد داشت. به عبارت دیگر اثرات بلند مدت آن هم تأیید شده است.

تامایو^{۲۰} و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی در زمینه تأثیر نرخ تورم بر وقوع جرایم مالی انجام داده‌اند که نتایج این پژوهش نشان داد به هنگام تورم بالا جرم و جنایت افزایش می‌یابد. آلم^{۲۱} و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به عنوان فساد و فرار مالیاتی، به بررسی نقش فساد در کاهش رشد اقتصادی کشورها می‌پردازند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش فساد، فرار مالیاتی بنگاه‌های اقتصادی افزایش می‌یابد و از این طریق به کاهش بودجه دولت منجر می‌شود و متعاقب آن کاهش تولید کل اقتصاد می‌شود. اپافرا^{۲۲} و ماسو^{۲۳} (۲۰۱۷) در پژوهشی نتیجه گرفتند که فساد، عدالت و توسعه اقتصادی را تضعیف می‌کند و اعتماد عمومی به دولت را از بین می‌برد. همچنین بر اساس نتیجه پژوهش آنها، فساد، تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین ممکن است منجر به کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی گردد.

دیمنت^{۲۴} و توساتو^{۲۵} (۲۰۱۷) در پژوهشی برای شناسایی علل و پیامدهای فساد با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در دهه گذشته، به تحلیل دانش موجود علل فساد پرداختند. برخی نتایج آن‌ها عبارتند از: ۱- اندازه بزرگتر دولت منجر به سطح بالاتری از فساد می‌گردد. ۲- سطوح بالاتر پایداری به اعتقادات مذهبی منجر به سطوح پایین تر فساد می‌گردد. ۳- سطوح بالاتر شفافیت منجر به سطوح پایین تر فساد می‌گردد.

لطیفیان (۱۳۷۵) در پژوهشی عوامل مؤثر بر فساد را بدین صورت بیان می‌کند؛ افزایش قوانین و مقررات، افزایش میزان دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی، افزایش میزان کاغذبازی و فرصت‌های سنگ‌اندازی در اجرای امور، پایین بودن سطح حقوق و مزایای کارمندان و شدت تعهدات و علایق خانوادگی و خویشاوندی. خدادادحسینی و فرهادی نژاد (۱۳۸۰) در پژوهشی مجموعه‌ای از مهمترین علل پیدایش فساد را بیان می‌کنند. پژوهشگران مذکور تنگناهای اقتصادی حاکم بر زندگی کارکنان بخش عمومی (احساس نابرابری اقتصادی کارکنان بخش عمومی در مقایسه با بخش خصوصی) و ویژگی‌های فرهنگی حاکم بر جامعه (میزان قانون‌گریزی در جامعه) همچنین کاستی‌های موجود در سیستم‌های سازمانی (عدم آشنایی ارباب رجوع با قوانین و مقررات و عدم امنیت شغلی) و عوامل مربوط به ویژگی‌های فردی کارکنان (وجدان کاری) و در نهایت ناکارآمدی قوانین و مقررات را از مهمترین علل پیدایش فساد اداری بیان می‌کنند.

حسینی نژاد (۱۳۸۴) در پژوهشی استدلال کرده است که رشد اقتصادی به بروز فرصت های کاری بیشتر و جذاب تر در بخش قانونی منجر می شود اما به دلیل بهبود ثروت جامعه، درآمد انتظاری ناشی از جرم نیز افزایش خواهد یافت. براین اساس، اثر نهایی رشد اقتصادی بر جرم و جنایت در جامعه نامشخص است.

رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش دیگری به بررسی عوامل مؤثر بر فساد مالی بین کارکنان دستگاههای اجرایی ایران پرداخته اند. بیست و سه متغیر به عنوان متغیرهای اثرگذار بر فساد مالی مورد سنجش قرار گرفت. تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پنج گروه عوامل تأثیرگذار بر فساد مالی عبارتند از؛ قانون گریزی مدیران، عدم پاسخگویی و نظارت ضعیف، ضعف سیستم ارزیابی عملکرد، بوروکراسی زائد بخش دولتی و ناکارآمدی سیستم نگهداری. این عوامل در مجموع ۶۷/۵۵ درصد از تغییر پذیری در متغیر فساد مالی در میان کارکنان بخش دولتی ایران را تبیین می کند که در نوع خود مدل مطلوبی در تبیین شکل گیری و گسترش پدیده فساد مالی در میان کارکنان دولتی محسوب می شود.

عظیمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش دیگری که برگرفته از نتایج رساله دکتری تحت عنوان طراحی الگوی عوامل سازمانی و مدیریتی مؤثر بر فساد اداری- مالی با آسیب شناسی در سازمان های دولتی می باشد، با هدف بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری- مالی به اجرا درآمده است. نتیجه گرفتند در بین یازده متغیر زیرمجموعه عوامل مدیریتی و سازمانی، شش عامل از قبیل؛ ضعف سیستم های نظارت و کنترل، ضعف ارتباطات، ضعف مدیران در رهبری و هدایت، ضعف مدیران در بسیج منابع و امکانات، ضعف مدیران در سازماندهی و ضعف عوامل ساختاری، مواردی هستند که در اولویت عوامل تأثیرگذار بر فساد اداری- مالی قرار دارند.

در پژوهش دیگری مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) به وسیله یک مدل اقتصاد سنجی مبتنی بر داده های سری زمانی به تصریح دو مدل برای جرم سرقت پرداخته اند. نتایج حاکی از این است که بین توزیع درآمد و سرقت، رابطه معنی داری وجود دارد. به این صورت که با تشدید نابرابری درآمد، تعداد جرایم از نوع سرقت نیز افزایش داشته است. از دیگر نتایجی که به آن دست یافته اند می توان به ارتباط مستقیم نرخ جرم سرقت با نسبت شهرنشینی، نرخ طلاق، نرخ بیکاری و همچنین رابطه معکوس آن با درآمد ماهانه خانوارهای ایرانی اشاره کرد.

فطرس و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تلاش کرده اند با استفاده از داده های ترکیبی برای ۳۰ استان کشور برای دوره سال های ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۸۷ با به کار گیری روش اقتصادسنجی پانلی، تأثیر برخی از عوامل نظیر فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرایمی مانند صدور چک بلامحل، سرقت، ارتشاء و اختلاس، نخست به صورت مجزا و سپس در قالب شاخصی ترکیبی از میانگین آن ها به عنوان نماینده جرایم مالی مورد بررسی قرار دهند. نتایج نشان می دهند که تأثیر هر سه متغیر توضیحی فقر، بیکاری و شهرنشینی بر متغیر وابسته جرایم مالی در ایران معنی دار و مثبت می باشند.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع روش ترکیبی^{۲۶} می‌باشد که ترکیب داده‌های کیفی و کمی بر اساس استراتژی روندهای تریبی است و در آن پژوهشگر به دنبال آن است تا یافته‌های حاصل از یک روش را با روش دیگری توسعه دهد. بنابراین روش مورد استفاده در پژوهش حاضر روش ترکیبی شامل؛ روش کیفی^{۲۷} مبتنی بر رویکرد داده بنیاد^{۲۸} و روش کمی^{۲۹} مبتنی بر رویکرد توصیفی - پیمایشی می‌باشد. مشارکت کنندگان بخش کیفی تعداد ۲۰ نفر از صاحب نظران متشکل از دو گروه بودند؛ گروه اول شامل متخصصین و خبرگانی است که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها بودند و گروه دوم شامل کارشناسان خبره و مدیرانی است که حداقل ۱۵ سال سابقه در امور مالی داشتند. گردآوری اطلاعات به روش مصاحبه ژرف نگر و برگزاری جلسه گروه کانونی انجام و الگوی مفهومی تدوین شد؛ برای ارزیابی الگوی تدوین شده از دو روش بازبینی توسط مشارکت کنندگان و مرور توسط خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش، استفاده و الگوی نهایی ارائه شد. مشارکت کنندگان بخش کمی تعداد ۲۳۵ نفر از مدیران و کارشناسان مالی برخی از دستگاه‌های اجرایی و اساتید دانشگاه در رشته‌های مدیریت، اقتصاد، حسابداری و حقوق آشنا به بحث جرایم مالی بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و دیدگاه‌های ایشان مورد پیمایش قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی به صورت پرسشنامه با تعداد ۱۰۵ گویه و طیف ده درجه‌ای لیکرت تدوین و در بین مشارکت کنندگان توزیع شد. روایی پرسشنامه توسط ۲۰ نفر از متخصصان و صاحب نظران در حوزه جرایم مالی تأیید شد و برای محاسبه پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه و همسانی درونی گویه‌های ارائه شده، از فرمول ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان پایایی محاسبه شده پرسشنامه ۰/۹۹۲ بود.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- سؤال اول پژوهش: الگوی مفهومی مناسب برای جرایم مالی در ایران چگونه است؟

در پاسخ به سؤال مذکور، پس از مطالعه مبانی نظری موجود و مصاحبه با افراد صاحب نظر در زمینه جرایم مالی مقوله‌های اصلی و فرعی مربوط به پدیده جرایم مالی احصاء و مدل مفهومی نهایی تدوین شد. روند تقلیل داده‌ها و تعداد کدهای باز، مقوله‌های محوری و انتخابی در نمودار ۱ مشخص شده است که مبنای الگوی پارادایمی و الگوی مفهومی ارائه شده در نمودار ۲ می‌باشد. در حقیقت در رویکرد نظریه داده بنیاد، مقولات فرعی و ویژگی‌های مربوط به هر کدام، به مقوله محوری مرتبط می‌شوند که ابعاد مربوط شامل شرایط علی، مقوله محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها می‌باشد.

مرحله کدگذاری باز: ۱۰۵ گزاره مفهومی اولیه

مرحله کدگذاری محوری: ۲۵ مقوله

الف) شرایط علی: ۱- مسائل مربوط به اشتغال ۲- محدودیت های درآمدی ۳- ضعف شخصیتی ۴- فقدان اعتقادات مذهبی ۵- فقدان اخلاق ۶- نگرش مجرمانه

ب) شرایط زمینه ای: ۱- زمینه فرهنگی نامناسب ۲- عدم شایسته سالاری ۳- حرفه ای بودن مجرم ۴- تغییر ارزش جرم مالی در جامعه

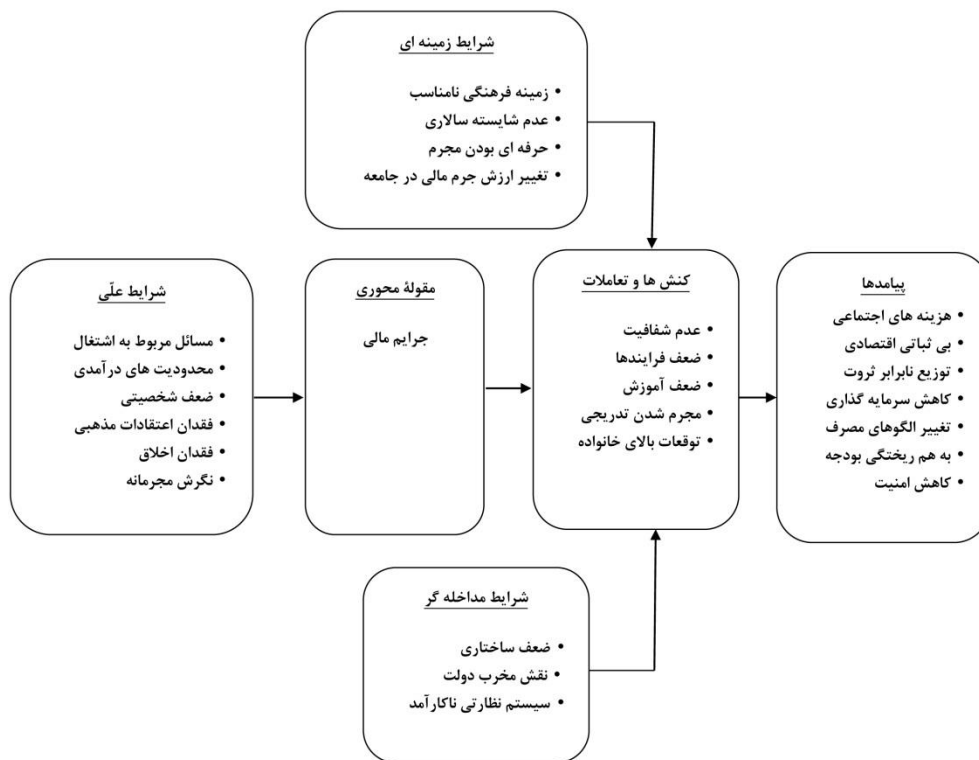
پ) شرایط مداخله گر: ۱- ضعف ساختاری ۲- نقش مخرب دولت ۳- سیستم نظارتی ناکارآمد

ت) کنش ها و تعاملات: ۱- عدم شفافیت ۲- ضعف فرایندها ۳- ضعف آموزش ۴- مجرم شدن تدریجی ۵- توقعات بالای خانواده

ث) پیامدها: ۱- هزینه های اجتماعی ۲- بی ثباتی اقتصادی ۳- توزیع نابرابر ثروت ۴- کاهش سرمایه گذاری ۵- تغییر الگوهای مصرف ۶- به هم ریختگی بودجه ۷- کاهش امنیت

مرحله کدگذاری انتخابی: ابعاد ۶ گانه الگوی پارادایمی

نمودار ۱: روند کدگذاری و تقلیل داده ها

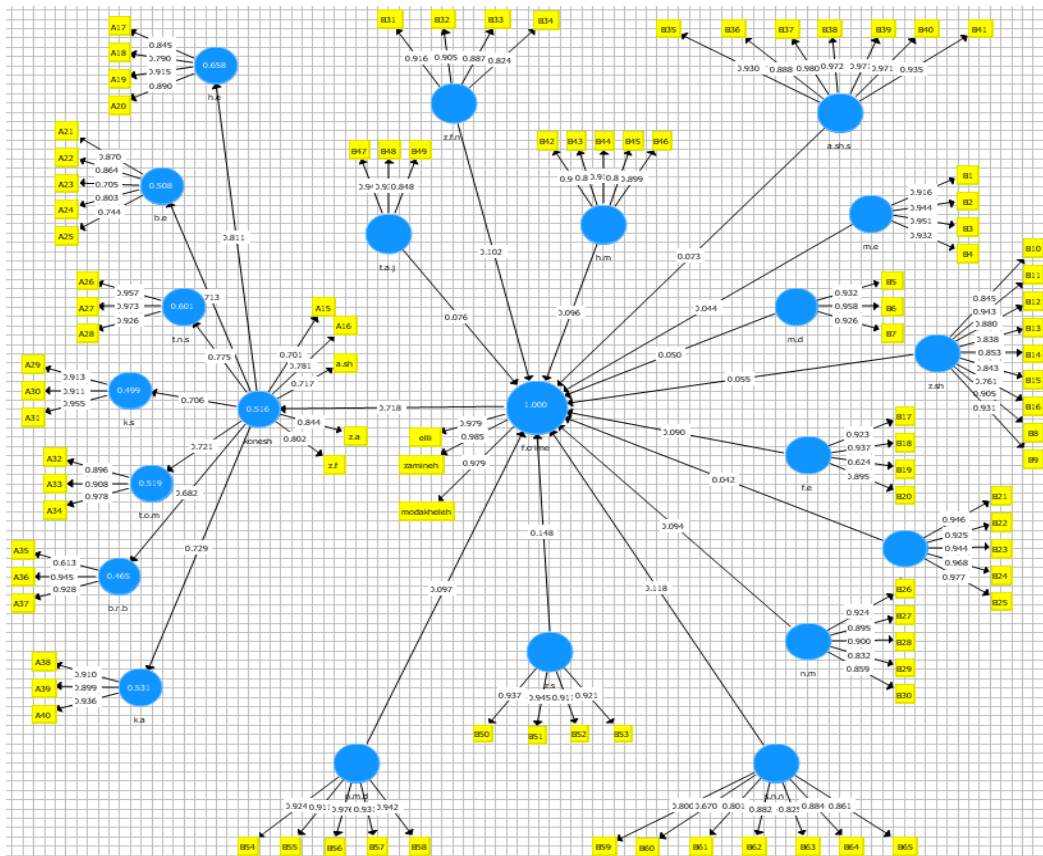


نمودار ۲: مدل پارادایمی جرایم مالی حاصل از یافته‌های پژوهش

۲-۴- سؤال دوم پژوهش: الگوی طراحی شده بخش کیفی، تا چه میزان وضعیت جرایم مالی در ایران را تبیین می‌کند؟

بر اساس یافته‌های مرحله پژوهش کیفی و الگوی پارادایمی به دست آمده، الگویی فرضی تدوین گشت که شامل متغیرهای برون‌زا (که مشابه متغیرهای مستقل عمل کرده و مسیرها از این متغیرها شروع می‌شوند و اثری به آنها ختم نمی‌شود) از قبیل؛ شرایط علی (مسائل مربوط به اشتغال، محدودیت‌های درآمدی، ضعف شخصیتی، فقدان اعتقادات مذهبی، فقدان اخلاق، نگرش مجرمانه)، شرایط زمینه‌ای (زمینه فرهنگی نامناسب، عدم شایسته‌سالاری، حرفه‌ای بودن مجرم و تغییر ارزش جرم مالی در جامعه)، شرایط مداخله‌گر (ضعف ساختاری، نقش مخرب دولت و سیستم نظارتی ناکارآمد) و متغیرهای درون‌زا (که مانند متغیرهای وابسته عمل کرده، اثر مسیرها به آنها ختم می‌شود و ممکن است خود بر متغیر دیگری اثر داشته باشند) از قبیل؛ پدیده محوری (جرایم مالی)، کنش‌ها و تعاملات (عدم شفافیت، ضعف فرایندها، ضعف آموزش، مجرم شدن تدریجی و توقعات بالای خانواده) و پیامدها (هزینه‌های اجتماعی، بی‌ثباتی اقتصادی، توزیع نابرابر ثروت، کاهش سرمایه‌گذاری،

تغییر الگوهای مصرف، به هم ریختگی بودجه و کاهش امنیت) می باشد. برای پاسخ به دومین سؤال پژوهش از تحلیل مدل معادلات ساختاری و نرم افزار PLS استفاده شد. بر مبنای الگوی پارادایمی استخراج شده از تحلیل داده های کیفی و عوامل حاصل از تحلیل عاملی مرتبه اول، مدل فرضی طراحی شد و روابط مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرها مشخص شد. بر اساس مدل مفهومی به دست آمده از مرحله کیفی پژوهش، هریک از سازه های برون زا و درون زای مدل با توجه به نتایج تحلیل عاملی به عنوان متغیرهای مشاهده شده در مدل فرضی پژوهش آمده اند. این مدل با استفاده از مدل معادلات ساختاری آزمون شد. در نهایت مدل زیر به دلیل انطباق آن با یافته های حاصل از تحلیل کیفی؛ مدل اولیه و مدل فرضی، رضایت بخش بودن شاخص های برازش مدل و معنی دار بودن برآوردهای آماری آن، برای ارائه داده ها در نظر گرفته شد. برآوردها و اثرات هریک از عوامل برهم در مدل استخراج شده در نمودار ۳ منعکس شده اند.



نمودار ۳: مدل استخراج شده جرایم مالی

۴-۲-۱- شاخص های برازش مدل

اولین شاخص به کار گرفته شده جهت ارزیابی برازش مدل ساختاری پژوهش حاضر، معیار R^2 است که میزان تأثیر یک متغیر مستقل بر روی یک متغیر وابسته را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، میزان تبیین واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل که عددی بین صفر تا یک است را نشان می‌دهد. شیوه قضاوت به این صورت است که مقادیر R^2 کوچکتر از ۰/۱۹ را برازش ضعیف، مقادیر بین ۰/۱۹ تا ۰/۳۳ را برازش متوسط و مقادیر بالای ۰/۳۳ را برازش قوی گویند. مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل ارائه می‌شود و در مورد سازه‌های برون‌زا مقدار آن برابر صفر است. هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. خروجی این معیار در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: مقدار R^2 عوامل جرایم مالی

عوامل	R^2 محاسبه شده	نتیجه برازش
جرایم مالی	۱	برازش قوی
کنش ها و تعاملات	۰/۵۱۶	برازش قوی
هزینه های اجتماعی	۰/۶۵۸	برازش قوی
بی ثباتی اقتصادی	۰/۵۰۸	برازش قوی
توزیع نابرابر ثروت	۰/۶۰۱	برازش قوی
کاهش سرمایه گذاری	۰/۴۹۹	برازش قوی
تغییر الگوهای مصرف	۰/۵۱۹	برازش قوی
به هم ریختگی بودجه	۰/۴۶۵	برازش قوی
کاهش امنیت	۰/۵۳۱	برازش قوی

دومین شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص Q^2 است. این معیار قدرت پیش بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. مدل‌هایی که دارای برازش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها تأثیر کافی بر یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. سه مقدار ۰/۱۵، ۰/۲ و ۰/۳۵ را به عنوان قدرت پیش بینی کم، متوسط و قوی تعیین نموده اند. خروجی این معیار در جدول ۲ نشان داده شده است.

نتایج جداول ۲ حاکی از آن است که این شاخص ها در حد بسیار مطلوب گزارش شده اند و الگو با داده ها برازش خوبی دارد.

جدول ۲: مقدار Q^2 عوامل جرایم مالی

عوامل	SSO	SSE	Q^2 محاسبه شده	قدرت پیش بینی
جرایم مالی	۱۸۰	۲۴/۷۲۱	۰/۸۶۳	زیاد
کنش ها و تعاملات	۳۰۰	۲۱۸/۵۹۳	۰/۲۷۱	متوسط
هزینه های اجتماعی	۲۴۰	۱۳۴/۸۷۷	۰/۴۳۸	زیاد
بی ثباتی اقتصادی	۳۰۰	۲۲۱/۵۱۷	۰/۲۶۲	متوسط
توزیع نابرابر ثروت	۱۸۰	۹۱/۷۰۶	۰/۴۹۱	زیاد
کاهش سرمایه گذاری	۱۸۰	۱۱۲/۷۳۳	۰/۳۷۴	زیاد
تغییر الگوهای مصرف	۱۸۰	۱۰۷/۵۱۱	۰/۴۰۳	زیاد
به هم ریختگی بودجه	۱۸۰	۱۲۶/۷۳۱	۰/۲۹۶	متوسط
کاهش امنیت	۱۸۰	۱۰۶/۹۶۵	۰/۴۰۶	زیاد

۴-۲-۲- آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه های باز تولید شده در پایان تحلیل یافته های مرحله کیفی پژوهش، مبنایی برای ترسیم مدل فرضی و آزمون روابط بین متغیرها در قالب فرضیه های ارائه شده در مرحله کمی پژوهش بود، در ادامه، یافته های بخش کمی پژوهش بر اساس فرضیه های پژوهش ارائه شده اند.
(۱) مبنای فرضیه سازی براساس شرایط علی جرایم مالی:

فرضیه ۱-۱: مسائل مربوط به اشتغال، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۲-۱: محدودیت های درآمدی، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۳-۱: ضعف شخصیتی، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۴-۱: فقدان اعتقادات مذهبی، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۵-۱: فقدان اخلاق، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۶-۱: نگرش مجرمانه، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

جدول ۳: ضرایب و معنی داری اثرات عوامل شرایط علی بر پدیده محوری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره t	P value
مسائل مربوط به اشتغال	جرایم مالی	۲/۹۰۳	۰/۰۰۴
محدودیت های درآمدی		۲/۱۸۱	۰/۰۳۰
ضعف شخصیتی		۲/۱۳۸	۰/۰۳۳
فقدان اعتقادات مذهبی		۵/۱۲۴	۰/۰۰۰
فقدان اخلاق		۲/۷۷۲	۰/۰۰۶
نگرش مجرمانه		۲/۳۴۶	۰/۰۱۹

با توجه به نتایج جدول فوق، از آنجایی که از یک طرف میزان آماره t برای همه عوامل بیشتر از مقدار ملاک ۱/۹۶ بوده و از طرف دیگر میزان P value همه عوامل کمتر از مقدار ملاک ۰/۰۵ است، بنابراین همه فرضیه های فوق تأیید می شوند.

۲) مبنای فرضیه سازی براساس شرایط زمینه ای جرایم مالی:

فرضیه ۱-۲: زمینه فرهنگی نامناسب، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۲-۲: عدم شایسته سالاری، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۳-۲: حرفه ای بودن مجرم، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

فرضیه ۴-۲: تغییر ارزش جرم مالی در جامعه، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

جدول ۴: ضرایب و معنی داری اثرات عوامل شرایط زمینه ای بر پدیده محوری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره t	P value
زمینه فرهنگی نامناسب	جرایم مالی	۵/۴۸۴	۰/۰۰۰
عدم شایسته سالاری		۳/۱۰۲	۰/۰۰۲
حرفه ای بودن مجرم		۴/۰۲۵	۰/۰۰۰
تغییر ارزش جرم مالی در جامعه		۵/۳۹۳	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق، از آنجایی که از یک طرف میزان آماره t برای همه عوامل بیشتر از مقدار ملاک ۱/۹۶ بوده و از طرف دیگر میزان P value همه عوامل کمتر از مقدار ملاک ۰/۰۵ است، بنابراین همه فرضیه های فوق تأیید می شوند.

- ۳) مبنای فرضیه سازی براساس شرایط مداخله گر جرایم مالی:
 فرضیه ۱-۳: ضعف ساختاری، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.
 فرضیه ۲-۳: نقش مخرب دولت، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.
 فرضیه ۳-۳: سیستم نظارتی ناکارآمد، بر تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

جدول ۵: ضرایب و معنی داری اثرات عوامل شرایط مداخله گر بر پدیده محوری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره t	P value
ضعف ساختاری	جرایم مالی	۴/۶۳۳	۰/۰۰۰
نقش مخرب دولت		۴/۲۵۷	۰/۰۰۰
سیستم نظارتی ناکارآمد		۹/۷۳۶	۰/۰۰۰

- با توجه به نتایج جدول فوق، از آنجایی که از یک طرف میزان آماره t برای همه عوامل بیشتر از مقدار ملاک ۱/۹۶ بوده و از طرف دیگر میزان P value همه عوامل کمتر از مقدار ملاک ۰/۰۵ است، بنابراین همه فرضیه های فوق تأیید می شوند.
 ۴) فرضیه ۴: جرایم مالی بر کنش ها و تعاملات تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی اثر دارد.

جدول ۶: ضرایب و معنی داری اثرات پدیده محوری بر کنش ها و تعاملات

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره t	P value
جرایم مالی	کنش ها و تعاملات	۹/۰۳۸	۰/۰۰۰

- با توجه به نتایج جدول بالا، از یک طرف میزان آماره t بیشتر از مقدار ملاک ۱/۹۶ بوده و از طرف دیگر میزان P value کمتر از مقدار ملاک ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه فوق تأیید می شود.

- ۵) مبنای فرضیه سازی براساس پیامدهای جرایم مالی:
 فرضیه ۱-۵: کنش ها و تعاملات تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر هزینه های اجتماعی اثر دارد.
 فرضیه ۲-۵: کنش ها و تعاملات تبیین و پیش بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر بی ثباتی اقتصادی اثر دارد.

فرضیه ۳-۵: کنش‌ها و تعاملات تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر توزیع نابرابر ثروت اثر دارد.

فرضیه ۴-۵: کنش‌ها و تعاملات تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر کاهش سرمایه‌گذاری اثر دارد.

فرضیه ۵-۵: کنش‌ها و تعاملات تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر تغییر الگوهای مصرف اثر دارد.

فرضیه ۶-۵: کنش‌ها و تعاملات تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر به هم ریختگی بودجه اثر دارد.

فرضیه ۷-۵: کنش‌ها و تعاملات تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی بر کاهش امنیت اثر دارد.

جدول ۷: ضرایب و معنی داری اثرات کنش‌ها و تعاملات بر پیامدها

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره t	P value
کنش‌ها و تعاملات	هزینه‌های اجتماعی	۱۴/۱۰۴	۰/۰۰۰
	بی‌ثباتی اقتصادی	۱۰/۷۷۴	۰/۰۰۰
	توزیع نابرابر ثروت	۱۳/۸۳۷	۰/۰۰۰
	کاهش سرمایه‌گذاری	۸/۸۷۵	۰/۰۰۰
	تغییر الگوهای مصرف	۹/۸۶۹	۰/۰۰۰
	به هم ریختگی بودجه	۷/۷۳۹	۰/۰۰۰
	کاهش امنیت	۱۱/۹۳۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول فوق، از آنجایی که از آنجایی که از یک طرف میزان آماره t برای همه عوامل بیشتر از مقدار ملاک ۱/۹۶ بوده و از طرف دیگر میزان P value همه عوامل کمتر از مقدار ملاک ۰/۰۵ است، بنابراین همه فرضیه‌های فوق تأیید می‌شوند.

۵- نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به طراحی و آزمون مدلی جهت تبیین و پیش‌بینی علل وقوع جرایم مالی برای جلوگیری از بروز انحرافات مالی پرداخته است که برای این منظور در بخش کیفی پژوهش از روش گراند تئوری جهت ارائه نظریه استفاده شده است و در بخش کمی به آزمون اعتبار مدل به وسیله تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌پردازد. شایان ذکر است که اولویت در پژوهش حاضر با یافته‌های کیفی است و نقش پژوهش و داده‌های کمی صرفاً برای آزمون مدل فرضی طراحی شده در بخش کیفی پژوهش و بررسی تعمیم‌پذیری یافته‌ها بوده است.

همانطور که اشاره شد در بخش کیفی این پژوهش شرایط علی جرایم مالی، از شش عامل؛ مسائل مربوط به اشتغال، محدودیت های درآمدی، ضعف شخصیتی، فقدان اعتقادات مذهبی، فقدان اخلاق، نگرش مجرمانه تشکیل شده است. در بخش کمی پژوهش، یافته های تحلیل عاملی مرتبه اول مؤید یافته های بخش کیفی پژوهش است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول می توان معادله شرایط علی پژوهش را بر اساس ضرایب استاندارد (B) چنین تبیین نمود:

شرایط علی = (۰/۹۷۹) (مسائل مربوط به اشتغال + محدودیت های درآمدی + ضعف شخصیتی + فقدان اعتقادات مذهبی + فقدان اخلاق + نگرش مجرمانه)

در گام بعدی برای آزمون این نتیجه، فرضیه اول و فرضیه های فرعی مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفت. براساس مدل مفهومی تأثیر این شش عامل بر پدیده محوری پژوهش (جرایم مالی) بطور مستقیم است و یافته های بخش کمی پژوهش حاکی از آنست که همه بخش های فرضیه فوق تأیید می شود که مؤید یافته های مرحله کیفی است. همچنین در تحلیل عاملی مرتبه اول نیز مشخص شد که گویه " رواج مادی گرایی" مربوط به مقوله " فقدان اخلاق" بیشترین بار عاملی (۰/۹۷۷) را به خود اختصاص داده است. یکی از مهمترین علل وقوع جرایم مالی مسائل مربوط به اشتغال همچون بیکاری می باشد. افراد بیکار به علت آنکه درآمد مشخصی ندارند ممکن است جهت رفع احتیاجات خود مرتکب جرایم مالی شوند در صورتی که داشتن حداقل درآمد، ممکن است آنها را از وقوع این گونه جرایم بازدارد. نتایج این بخش از پژوهش با یافته های براس (۲۰۰۷)، لوریدسن و همکاران (۲۰۱۳)، نانلی و همکاران (۲۰۱۳)، مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) و فطرس و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. محدودیت های درآمدی همچون توزیع ناعادلانه درآمد، عامل مؤثر دیگری بر وقوع جرایم مالی است که شکاف طبقاتی افراد جامعه را افزایش می دهد. تفاوت بسیار محسوس در سهم دهک های بالا و پایین درآمدی از کل درآمد در یک جامعه می تواند نشان دهنده عمق شکاف بین طبقات مختلف باشد. نتایج این بخش از پژوهش با یافته های لهو و کبوی (۲۰۰۵)، نیومایر (۲۰۰۵)، هاتا (۲۰۱۲)، تامایو و همکاران (۲۰۱۳)، خدادادحسینی و فرهادی نژاد (۱۳۸۰) و مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) همسو است. همچنین نتایج پژوهش درباره مقوله ضعف شخصیتی با یافته های لهو و کبوی (۲۰۰۵)، بونانو و لنیدا (۲۰۰۹) و هاتا (۲۰۱۲)، مقوله فقدان اعتقادات مذهبی با یافته های فروید (۱۹۵۳)، رایزمن (۱۹۵۸) و خدادادحسینی و فرهادی نژاد (۱۳۸۰) و مقوله فقدان اخلاق با یافته های فروید (۱۹۵۳)، رایزمن (۱۹۵۸) و خدادادحسینی و فرهادی نژاد (۱۳۸۰) و مقوله نگرش مجرمانه نیز با یافته های لهو و کبوی (۲۰۰۵) مطابقت دارد که حاکی از رابطه معنی دار این عوامل می باشد و یافته های این پژوهش با مطالعات ایشان همسو است.

شرایط زمینه ای جرایم مالی نیز از چهار عامل؛ زمینه فرهنگی نامناسب، عدم شایسته سالاری، حرفه ای بودن مجرم، تغییر ارزش جرم مالی در جامعه تشکیل شده است. در بخش کمی پژوهش، یافته های تحلیل عاملی مرتبه اول مؤید یافته های بخش کیفی پژوهش است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول می توان معادله شرایط زمینه ای پژوهش را بر اساس ضرایب استاندارد (B) چنین تبیین نمود:

شرایط زمینه‌ای = (۰/۹۸۵) (زمینه فرهنگی نامناسب + عدم شایسته‌سالاری + حرفه‌ای بودن مجرم + تغییر ارزش جرم مالی در جامعه)

در گام بعدی برای آزمون این نتیجه، فرضیه دوم و فرضیه‌های فرعی مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفت. براساس مدل مفهومی تأثیر این چهار عامل بر پدیده محوری پژوهش (جرایم مالی) بطور مستقیم است و یافته‌های بخش کمی پژوهش حاکی از آنست که همه بخش‌های فرضیه فوق تأیید می‌شود که مؤید یافته‌های مرحله کیفی است. همچنین در تحلیل عاملی مرتبه اول نیز مشخص شد که گویه "تبعیض‌گرایی" مربوط به مقوله "عدم شایسته‌سالاری" بیشترین بار عاملی (۰/۹۸۰) را به خود اختصاص داده است. حرفه‌ای بودن مجرم که مشتمل بر پایین دانستن احتمال کشف جرم و محکومیت او می‌باشد با ریسک‌پذیری وی مرتبط است. درجه ریسک‌پذیری افراد نیز یکی از عوامل زمینه‌ساز وقوع جرایم مالی است. از آنجایی که این‌گونه جرایم همواره با ریسک‌دستگیری و تحمل مجازات همراه هستند افراد ریسک‌گریز تمایل کمتری به ارتکاب آن دارند، اما افراد ریسک‌پذیر حتی در صورت پایین بودن سود ناشی از جرایم مالی ممکن است مرتکب این جرایم شوند. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های نیومایر (۲۰۰۵)، حسینی نژاد (۱۳۸۴) همسو است. همچنین نتایج پژوهش درباره مقوله زمینه فرهنگی نامناسب با یافته‌های لهو و کبوی (۲۰۰۵) و خدادادحسینی و فرهادی نژاد (۱۳۸۰) و مقوله عدم شایسته‌سالاری با یافته‌های لهو و کبوی (۲۰۰۵) و لطیفیان (۱۳۷۵) مطابقت دارد که حاکی از رابطه معنی‌دار این عامل می‌باشد و یافته‌های این پژوهش با مطالعات ایشان همسو است.

شرایط مداخله گر جرایم مالی نیز از سه عامل؛ ضعف ساختاری، نقش مخرب دولت، سیستم نظارتی ناکارآمد تشکیل شده است. در بخش کمی پژوهش، یافته‌های تحلیل عاملی مرتبه اول مؤید یافته‌های بخش کیفی پژوهش است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول می‌توان معادله شرایط مداخله گر پژوهش را بر اساس ضرایب استاندارد (β) چنین تبیین نمود:

شرایط مداخله گر = (۰/۹۷۹) (ضعف ساختاری + نقش مخرب دولت + سیستم نظارتی ناکارآمد)

در گام بعدی برای آزمون این نتیجه، فرضیه سوم و فرضیه‌های فرعی مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفت. براساس مدل مفهومی تأثیر این سه عامل بر پدیده محوری پژوهش (جرایم مالی) بطور مستقیم است و یافته‌های بخش کمی پژوهش حاکی از آنست که همه بخش‌های فرضیه فوق تأیید می‌شود که مؤید یافته‌های مرحله کیفی است. همچنین در تحلیل عاملی مرتبه اول نیز مشخص شد که گویه "بی‌ثباتی در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت" مربوط به مقوله "نقش مخرب دولت" بیشترین بار عاملی (۰/۹۷۱) را به خود اختصاص داده است. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر وقوع جرم و افزایش آن سیستم نظارتی ناکارآمد است به طوری که عدم تناسب مجازات با جرم و یا ضعف نظارت بر اجرای درست قوانین، کارایی سیستم نظارتی را کاهش می‌دهد. بر این اساس در صورت افزایش کارایی این سیستم، هزینه ارتکاب جرایم مالی افزایش یافته و احتمال وقوع آن کاهش می‌یابد. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های لهو و کبوی (۲۰۰۵)، خدادادحسینی و فرهادی نژاد

(۱۳۸۰)، رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) و عظیمی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. همچنین نتایج پژوهش درباره مقوله ضعف ساختاری با یافته های سلدادیو و هان (۲۰۰۶)، لطیفیان (۱۳۷۵)، رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) و عظیمی و همکاران (۱۳۹۰) و مقوله نقش مخرب دولت با یافته های دیمنت و توساتو (۲۰۱۷) و لطیفیان (۱۳۷۵) مطابقت دارد که حاکی از رابطه معنی دار این عامل می باشد و یافته های این پژوهش با مطالعات ایشان همسو است.

کنش ها و تعاملات جرایم مالی نیز از پنج عامل؛ عدم شفافیت، ضعف فرایندها، ضعف آموزش، مجرم شدن تدریجی و توقعات بالای خانواده تشکیل شده است. در بخش کمی پژوهش، یافته های تحلیل عاملی مرتبه اول مؤید یافته های بخش کیفی پژوهش است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول می توان معادله کنش ها و تعاملات پژوهش را بر اساس ضرایب استاندارد (β) چنین تبیین نمود:

کنش ها و تعاملات = (۰/۷۱۷) عدم شفافیت + (۰/۸۰۲) ضعف فرایندها + (۰/۸۴۴) ضعف آموزش + (۰/۷۰۱) مجرم شدن تدریجی + (۰/۷۸۱) توقعات بالای خانواده

در گام بعدی برای آزمون این نتیجه، فرضیه چهارم مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مدل مفهومی تأثیر پدیده محوری پژوهش (جرایم مالی) بر کنش ها و تعاملات بطور مستقیم است و یافته های بخش کمی پژوهش حاکی از آنست که فرضیه فوق تأیید می شود که مؤید یافته های مرحله کیفی است. همچنین در تحلیل عاملی مرتبه اول نیز مشخص شد که مقوله "ضعف آموزش" بیشترین بار عاملی (۰/۸۴۴) را به خود اختصاص داده است. عدم شفافیت قوانین مقابله با جرایم مالی می تواند بر وقوع این گونه جرایم تأثیرگذار باشد به طوری که بسیاری از مجرمان مالی منشاء درآمدهای نامشروع و غیر قانونی خود را پنهان کرده و به آن وجهه قانونی می بخشند همچنین ممکن است این مجرمان به راحتی بتوانند عواید حاصل از فعالیت های خود را در بخش های قانونی به کار گیرند به گونه ای که حتی در صورت دستگیری نیز قسمتی از منافع کسب شده از فعالیت مجرمانه آنها مشروع باقی بماند. نتایج این بخش از پژوهش با یافته های سلدادیو و هان (۲۰۰۶)، دیمنت و توساتو (۲۰۱۷)، لطیفیان (۱۳۷۵)، رهنورد و همکاران (۱۳۸۹) و عظیمی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. همچنین نتایج پژوهش درباره مقوله ضعف فرایندها با یافته های هاتا (۲۰۱۲) و حسینی نژاد (۱۳۸۴) و مقوله ضعف آموزش با یافته های بونانو و لنیدا (۲۰۰۹) و لوریدسن و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد که حاکی از رابطه معنی دار این عامل می باشد و یافته های این پژوهش با مطالعات ایشان همسو است.

پیامدهای جرایم مالی نیز از هفت عامل؛ هزینه های اجتماعی، بی ثباتی اقتصادی، توزیع نابرابر ثروت، کاهش سرمایه گذاری، تغییر الگوهای مصرف، به هم ریختگی بودجه و کاهش امنیت تشکیل شده است. در بخش کمی پژوهش، یافته های تحلیل عاملی مرتبه اول مؤید یافته های بخش کیفی پژوهش است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول می توان معادله پیامدهای پژوهش را بر اساس ضرایب استاندارد (β) چنین تبیین نمود:

پیامدها = (۰/۸۱۱) هزینه‌های اجتماعی + (۰/۷۱۳) بی‌ثباتی اقتصادی + (۰/۷۷۵) توزیع نابرابر ثروت + (۰/۷۰۶) کاهش سرمایه‌گذاری + (۰/۷۲۱) تغییر الگوهای مصرف + (۰/۶۸۲) به هم ریختگی بودجه + (۰/۷۲۹) کاهش امنیت

در گام بعدی برای آزمون این نتیجه، فرضیه پنجم و فرضیه‌های فرعی مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مدل مفهومی تأثیر کنش‌ها و تعاملات بر این هفت عامل بطور مستقیم است و یافته‌های بخش کمی پژوهش حاکی از آنست که همه بخش‌های فرضیه فوق تأیید می‌شود که مؤید یافته‌های مرحله کیفی است. همچنین در تحلیل عاملی مرتبه اول نیز مشخص شد که گویه "فقدان برنامه مناسب الگوی مصرف" مربوط به مقوله "تغییر الگوهای مصرف" بیشترین بار عاملی (۰/۹۷۸) را به خود اختصاص داده است. یکی از مهمترین پیامدهای وقوع جرایم مالی کاهش سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. در جوامعی که حجم جرایم مالی پایین تر باشد جذب سرمایه خارجی بیشتر جریان دارد بنابراین کنترل در جهت کاهش وقوع این گونه جرایم، راهبرد مهمی برای افزایش جلب سرمایه‌های خارجی خواهد بود. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های جانسون (۲۰۰۴) و اپافرا و ماسو (۲۰۱۷) همسو است. نتایج پژوهش درباره مقوله هزینه‌های اجتماعی با یافته‌های لطیفیان (۱۳۷۵) و مقوله بی‌ثباتی اقتصادی با یافته‌های تامایو و همکاران (۲۰۱۳) و نانلی و همکاران (۲۰۱۳) و مقوله تغییر الگوهای مصرف و کاهش امنیت با یافته‌های فروید (۱۹۵۳)، رایزمن (۱۹۵۸) و مقوله به هم ریختگی بودجه با یافته‌های آلم و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد که حاکی از رابطه معنی‌دار این عامل می‌باشد و یافته‌های این پژوهش با مطالعات ایشان همسو است.

سهم علمی پژوهش حاضر نیز آن است که در مدل‌های موجود جرایم مالی، کمتر پژوهشگری از مدل پارادایمی روش گراند تئوری استفاده کرده است به طوری که شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، کنش‌ها و تعاملات و پیامدها را یک جا دیده باشد. اکثر مدل‌ها صرفاً به شرایط علی و پیامدها اشاره کرده‌اند و از این نظر، مدل ارائه شده در حوزه جرایم مالی بسیار جامع به نظر می‌رسد. در ارائه مدل این پژوهش، سعی شده است که از دانش افراد مجرب در این حوزه که درباره جزئیات موضوع اطلاعات کافی داشته‌اند نیز بهره گرفته شود. این تجربیات امکان کدگذاری و ارائه در پژوهش را پیدا کردند و از این طریق، مدل نهایی شکل گرفته است. پژوهش حاضر از بعد روش‌شناسی مورد استفاده نیز منحصر به فرد است، به گونه‌ای که می‌توان استفاده از روش ترکیبی را اقدامی نو در پژوهش‌های مربوط به جرایم مالی تلقی نمود. یکی دیگر از کمک‌های اصلی این پژوهش در حوزه جرایم مالی آن است که تمرکز اصلی بر رویکردهای غیرحقوقی همچون رویکردهای مالی و اقتصادی بوده است و در مدل ارائه شده شرایط داخلی و بومی نیز لحاظ شده است. مقایسه نظریه ظهور یافته با ادبیات پژوهش و بررسی میزان تفاوت‌ها و شباهت‌های آن آخرین گام از روش گراند تئوری است. مقایسه با پیشینه موجود، روایی درونی، تعمیم‌پذیری و سطح تئوری پردازی را افزایش می‌دهد (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳). مدل جرایم مالی در بسیاری از ابعاد با ادبیات موجود نیز مطابقت دارد، این مطابقت مقوله به مقوله بررسی شده و در برخی مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده، شباهت‌هایی با نظریه‌های پیشین مشاهده می‌شود.

فهرست منابع

- * امانی، علی و دوانی، غلامحسین (۱۳۸۹). فساد، تقلب، پولشویی و وظیفه حسابرسان. حسابدار رسمی. (۱) ۱۲، صص ۵۶-۷۱.
- * حسینی نژاد، مرتضی (۱۳۸۴). بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده های تلفیقی: مورد سرقت، برنامه و بودجه. (۱) ۹۵، صص ۳۵-۵۲.
- * خدادادحسینی، سیدحمید و فرهادی نژاد، محسن (۱۳۸۰). بررسی فساد اداری و روشهای کنترل آن. فصلنامه پژوهش های مدیریت در ایران. (۵) ۱، صص ۳۷-۵۳.
- * خلیلی عراقی، منصور و رمضانپور، اسماعیل (۱۳۸۰). اهمیت محیط با ثبات اقتصاد کلان. فصلنامه تحقیقات اقتصادی. (۱) ۵۸، صص ۱-۲۸.
- * دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت. تهران: انتشارات صفار.
- * رهنورد، فرج اله؛ طاهرپور کلانتری، حبیب اله و رشیدی، اعظم (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاههای اجرایی، فصلنامه مدیریت اجرایی (۱) ۳۸، صص ۳۵-۵۰.
- * ساکی، محمدرضا (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی. تهران: انتشارات جنگل.
- * صمدی، علی حسین و آماره، جواد (۱۳۸۹). جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی: اقتصاد ایران. دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران. (۷) ۱۴، صص ۶۹-۹۲.
- * عظیمی، حسین؛ عطا، علی و شائمی بزرکی، علی (۱۳۹۰). بررسی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم عوامل مدیریتی و سازمانی بر فساد اداری و مالی. فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی. (۹) ۲۴، صص ۶۱-۸۲.
- * فطرس، محمد حسن؛ دلانی میلان، علی و قربان سرشت، مرتضی (۱۳۹۱). اثرات فقر، بیکاری و شهر نشینی بر جرایم علیه اموال در استان های ایران، رفاه اجتماعی. (۱) ۴۶، صص ۲۷۹-۲۹۲.
- * لطیفیان، احمد (۱۳۷۵). عوامل مؤثر در فساد اداری و راههای مبارزه آن. دوفصلنامه دانش و توسعه. (۳) ۴، صص ۵-۲۳.
- * مهرگان، نادر و گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۰). نابرابری درآمد در ایران، پژوهش های اقتصادی، (۲) ۴، صص ۱۰۹-۱۲۳.
- * نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- * Alm, J & Martinez-Vazquez, J & McClellan, C (2016). Corruption and firm tax evasion. Journal of Economic Behavior & Organization, Vol.124, pp. 146-163.
- * Buonanno, P & Leonida, L (2009). Non-market effects of education on crime: Evidence from Italian regions. Economics of Education Review, Vol.28, No.1, pp. 11-17.
- * Brush, J (2007). Does income inequality lead to more crime? A comparison of cross-sectional and time-series analyses of United States counties. Economics Letters, vol.96 No.2, pp. 264-268.
- * Corbin, J & Strauss, A (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria. Qualitative Sociology, Vol.13, No.1.

- * Dimant, E & Tosato, G (2017). CAUSES AND EFFECTS OF CORRUPTION: WHAT HAS PAST DECADE'S EMPIRICAL RESEARCH TAUGHT US? A SURVEY. *Journal of Economic Surveys*, Vol. 32, No. 2, pp. 335-356.
- * Epaphra, M. & John Masswe, J (2017). The Effect of Corruption on Foreign Direct Investment: A Panel Data Study. *Turkish Economic Review*, 4(1), pp.19-54.
- * Freud, S (1953). *Abriss der Psychoanalyse, Das Unbehagen in der kultur*, Frankfurt am Main.
- * Huhta, A (2012). Property Crime and Income Inequality in Finland, Aalto University School of Economics, pp.1-55.
- * Johnson, A (2004). BUREAUCRATIC CORRUPTION, MNEs AND FDI. Doctoral Candidate in Economics.
- * Lauridsen ,J.T & Zeren, F & Ari ,A (2013). A Spatial Panel Data Analysis of Crime Rates in EU. Department of Business and Economics, University of Southern Denmark.
- * Lho, K & Cabuay, J (2005). Corruption in the Korean public and private sectors, In Nicholas Tarling (Ed.), *Corruption and Good Governance in Asia*, New York, Routledge.
- * Merton, R (1968). *On Theoretical Sociology*, N.Y: The Free Press.
- * Nunley,J.M & Seals, R & Zietz, J (2013). The Impact of Macro Economic Condition on Property Crime, Auburn University Department of Economics Working Paper Series, pp. 2- 15.
- * Neumayer, E (2005). Inequality and Violent Crime: Evidence from Data on Robbery and Violent Theft. *Journal of Peace Research*, 42(1), pp.101-112.
- * Riesman, D & Denny, R & Glazer, N (1974). *Die Einsame Masse, Eine Untersuchung der wandlungen Des Amerikanischen Charakters*, Hamburg,
- * Seldadyo, H & Haan, J (2006). The Determinants of Corruption: A Literature Survey And New Evidence. Paper Prepared For The 2006 EPCS Conference, Turku, Finland,
- * Tamayo, A.M & Chavez, C & Nabe, N (2013). Crime and Inflation Rates in the Philippines: A Co-integration Analysis. *International Journal of Economics, Finance&Management*,2(5), pp.380-385.
- * Theophilus, O.AkinboEsq (2009). *Understanding Economic & Financial Crimes EFCC/NYSC Integrity Club*.
- * Thiankolu, M (2009). *The Anti-Corruption And Economic Crimes Act,2003; Has Kenya Discharged her Obligations to HerPeoples and the World? LL.B. (Hons.) Nairobi*.

یادداشت‌ها

- ¹Financial Crimes
- ².Theophilus
- ³.Economic Crime
- ⁴.Thiankolu
- ⁵.Freud
- ⁶.Reesman
- ⁷.Merton
- ⁸.Johnson
- ⁹.Lho
- ¹⁰.Cabuay
- ¹¹.Neumayer
- ¹².Seldadyo
- ¹³.Haan
- ¹⁴.Brush
- ¹⁵.Buonanno

¹⁶.Leonida

¹⁷.Huhta

¹⁸.Lauridsen

¹⁹.Nunley

²⁰.Tamayo

²¹.Alm

²².Epaphra

²³.Masswe

²⁴.Dimant

²⁵.Tosato

²⁶. Mixed Method

²⁷. Qualitative Research

²⁸. Grounded Theory

²⁹. Quantitative Research